تاثیر عوامل اقتصادی بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی

مرضیه مختاری‌پور*، سیدعلی سیادت**

طرح مسأله: *امروزه کارشناسان اقتصادی، رشد و توسعه‌یافتگی را بر اساس میزان افراد مشغول به کار آن جامعه می‌سنجند. افزایش رشد اقتصادی از طریق کاهش بیکاری، افزایش نرخ مشارکت نیروی کار، کاهش فقر و تخفیف عوارض ناشی از بالا بودن بیکاری پدید می‌آید؛ لذا برای پیشگیری از بیکاری نیروهای متخصص ضرورت دارد که نیازمندی‌های نیروی انسانی کشور پیش‌بینی شود.*

روش: *برای بررسی موضوع این پژوهش از روش توصیفی ـ همبستگی استفاده گردید. جامعهٔ آماری، کلیهٔ اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ بوده‌اند. نمونهٔ این تحقیق ۳۵۱ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شد. ابزار تحقیق، پرسش‌نامهٔ محقق ساخته شامل ۲۸ سوال در طیف پنج درجه‌ای لیکرت بود.*

یافته‌ها و نتایج: *یافته‌های تحقیق نشان داد که الف) عوامل اقتصادی (کمبود سرمایه‌گذاری، اجرای خصوصی‌سازی، عدم حمایت از دستاوردهای داخلی، عدم تسهیلات اشتغال، اقتصاد متکی به نفت و کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی) بر افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد؛ ب) بین نظرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان با توجه به ویژگی‌های دموگرافیک آنان (سن، مدرک تحصیلی و دانشکده) درخصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تفاوت وجود ندارد.*

کلید واژه‌ها: اقتصادی، بیکاری، تحصیل‌کرده، دانشگاه، عوامل

تاریخ دریافت: ۸۴/۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۱/۱۸

* دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی <m_mokhtari240@yahoo.com>

** دکتر علوم تربیتی و روان‌شناسی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

مقدمه

منابع انسانی از مهم‌ترین عوامل در روند توسعهٔ هرجامعه‌ای است. در استفاده از عامل انسانی در جهت توسعهٔ همه جانبهٔ کشور، دو بحث بیکاری و اشتغال بسیار مورد توجه است. اگر چه بیکاری در هر جامعه‌ای کم و بیش وجود دارد و از جمله معضلات اقتصادی ـ اجتماعی در کشور است، در این میان مسأله بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی به عنوان بخشی از بیکاری عمومی معضلی بس عظیم‌تر محسوب می‌شود و از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است؛ نخست به دلیل این‌که هرساله بخش قابل توجهی از منابع انسانی و مادی محدود کشور صرف تربیت این گروه می‌شود و در درجهٔ بعدی طی دهه‌های اخیر به نحو فزاینده‌ای سطح پیشرفت و توسعه، تحت تاثیر نحوهٔ استفاده از سرمایه‌های انسانی قرار گرفته است و دانش‌آموختگان مظهر و نمونهٔ اعلای سرمایه‌های انسانی جامعه محسوب می‌شوند. همچنین به دلیل این‌که آثار و عوارض سوء سیاسی ـ اجتماعی بیکاری دانش‌آموختگان به مراتب شدیدتر از سایر بیکاران است، طبیعی است که به این مساله اهمیت ویژه‌ای داده شود. در این زمینه، تحقیق حاضر به بررسی تاثیر عوامل اقتصادی بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی پرداخته است.

بحث دربارهٔ موضوع اشتغال‌زایی و ایجاد کار، از گذشته وجود داشته است. حساسیت این موضوع و مسألهٔ بیکاری زمانی دوچندان شد که کشورهای جهان از جنگ بین‌الملل اول و دوم بیرون آمدند و درصدد بازسازی خرابی‌های جنگ برآمدند. در این زمان، موضوع اضافهٔ عرضهٔ نیروی کار بر تقاضای آن برجوامع صنعتی و غیرصنعتی مستولی شد و موضوع بیکاری و اشتغال به عنوان یکی از مسایل تاثیرگذار بر موضوعات جوامع بشری مطرح شد.

۱) سوابق پژوهشی

اندروش و برادلی (Andrews & Bradley, 1998) در تحقیق خود دریافتند که پرداخت یارانه به جوانان تحصیل‌کرده، این گروه را به کسب مهارت‌های متوسط و ارتقای وضعیت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

در بازار کار تشویق می‌نماید. میلر (Miller, 1998) در تحقیق خود در مورد بیکاری افراد تحصیل‌کردهٔ استرالیایی مشخص کرد که بین سه گروه عوامل و بیکاری رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. این سه گروه عوامل عبارتند از: الف) مشخصه‌های فردی مانند سن، میزان تحصیلات و مهارت‌های فنی وحرفه‌ای؛ ب) مشخصه‌های خانوادگی مانند وضع شغلی والدین؛ و ج) ویژگی‌های ناحیه‌ای ماند نرخ بیکاری منطقه‌ای. او دریافت مهاجرانی که اخیراً وارد کشور استرالیا شده‌اند، افراد تحصیل‌کردهٔ دارای والدین و یا خواهران و برادران بیکار و افراد تحصیل‌کرده‌هایی که در خانوارهای با درآمد کم عضویت دارند، در زمرهٔ تحصیل‌کرده‌هایی هستند که بیکاری در کمین آن‌هاست. او نتیجه‌گیری نموده که خانواده و شرایط ناحیه‌ای، عواملی بسیار مهم‌تر از مشخصه‌های فردی در تعیین وضعیت تحصیل‌کرده‌ها در بازار کار هستند؛ بنابراین پیشنهاد نمود که سیاست‌های نوینی با تمرکز بر ایجاد اشتغال ناحیه‌ای علاوه بر آموزش‌های شغلی در جهت ایجاد ارتقای قابلیت اشتغال تحصیل‌کرده‌ها بررسی و تهیه گردد.

هارت (Hatrt, 1998) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که تحصیل‌کرده‌هایی که در خانواده‌های با درآمد بالا زندگی می‌کنند، ادامه‌دهندهٔ سنت والدین خود خواهند بود و تا زمانی که شغل با درآمد بالا نصیب آنان نشده، از مشارکت در بازار کار خودداری می‌کنند. کاسپی و همکارانش (Caspi, et al., 1998) تاثیرات دوران کودکی و سن بلوغ را به عنوان پیش‌بینی‌کنندگان بیکاری تحصیل‌کرده‌ها در ایالات متحده مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که سرمایهٔ اندک خانواده، عضویت در خانواده‌های تک‌سرپرست، اختلاف خانوادگی و رفتارهای ناهنجار اجتماعی به‌طور معنی‌داری احتمال بیکاری تحصیل‌کرده‌ها را افزایش می‌دهد. آن‌ها نتیجه‌گیری کرده‌اند که ویژگی‌های فردی و خانوادگی سال‌ها قبل از ورود فرد تحصیل‌کرده به بازار کار بر روی او تاثیر می‌گذارد. این تاثیرات ابتدا به‌وسیله کاهش توانایی در جذب سرمایه‌های انسانی مانند پائین بودن مهارت‌های شغلی و سپس به‌وسیلهٔ تاثیرگذاری مستقیم بر رفتارهای شخصی مانند رفتارهای جستجوی کار بر بازار کار تحصیل‌کرده‌ها اثرگذار است؛ بنابراین فقط کمبود مهارت‌ها باعث آسیب‌پذیری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

تحصیل‌کرده‌ها در مقابل بیکاری نیست، بلکه تکوین و شکل‌گیری شخصیت روانی و ویژگی‌های خانوادگی نیز در این امر تاثیرگذار است. آرمسترانگ (Armstrong, 1999) در تحقیق خود نشان داد که مشاورهٔ شغلی تاثیرات معنی‌داری بر احتمال بیکاری تحصیل‌کرده‌های ۱۸-۱۶ ساله در ایرلند جنوبی ندارد و در عوض برای افراد شرکت‌کننده در این مشاوره‌ها نوع خانواده و نرخ بیکاری منطقه‌ای برای مردان تأثیر معنی‌داری بر احتمال ابتلا به بیکاری داشته است.

گاردکی و نیومارک (Gardecki & Neumark, 1998) براساس بررسی‌های به عمل آمده متوجه شدند که برای زنان آمریکایی تحصیل‌کرده، پایداری و استقامت اولیه در بازار کار دارای اثرات مثبتی بر آینده شغلی آنان به صورت افزایش دستمزد و مزایا است و آموزش در سال‌های اولیه دارای مزایایی به صورت دریافت مزدهای بالاتر (تقریباً ۱۰-۷ درصد) افزایش مزد به ازای هریک سال آموزش برای هر دو گروه زنان و مردان می‌باشد و بنابراین مدل سرمایهٔ انسانی را مورد تایید قرار دادند. هاشیموتو و میلر (Hashimoto & Miller, 1999) در تحقیق خود دریافتند که آموزش و تجربه‌های اولیه در بازار کار برای هر دو گروه زنان و مردان تحصیل‌کردهٔ آمریکایی تاثیر مثبت بر میزان دستمزدها دارد و از طرف دیگر در هر دو بررسی ثابت گردیده که آموزش، احتمال بیکاری افراد را کاهش نمی‌دهد و عامل تعیین‌کننده در وضعیت بازار کار تحصیل‌کرده‌ها، ویژگی‌های شخصی آنان است. انیل و سویتمن (O'Neil & Sweetma, 1998) با استفاده از مطالعات کلی در زمینهٔ رشد کودکان دریافتند که پسران دارای پدر بیکار تقریبا دو برابر بیش از پسرانی که پدر آن‌ها بیکار نبوده، در معرض بیکاری قرار دارند و براساس همین مطالعات نتیجه گرفته‌اند که وضعیت خانوادگی تاثیر به سزایی در آینده و دورنمای این افراد در بازار کار خواهد داشت.

بهاری فر (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان بررسی علل عدم جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی و ارائهٔ راهکارهایی جهت رفع موانع انجام داد. نتایج این تحقیق که از دیدگاه اساتید دانشگاه‌های صنعتی شریف، تربیت مدرس، شاهد و تهران در رشته‌های فنی و مهندسی و برخی از کارشناسان خبرهٔ اشتغال در وزارت کار و امور اجتماعی، پژوهشکدهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

علوم انسانی، جهاد دانشگاهی و ادارهٔ کل کار و امور اجتماعی استان تهران صورت گرفت، نشان داد که عدم ایجاد امنیت اقتصادی و سیاسی کشور جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بوروکراسی زیاد اداری برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، نابسامانی وضع سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، عدم حمایت دولت از واحدهای تحقیقاتی در صنایع، عدم تعیین مزیت‌های نسبی هریک از استان‌ها جهت سرمایه‌گذاری، عدم وجود حمایت از کارآفرینان، عدم حمایت دولت از توسعهٔ صنایع کوچک و متوسط، عدم توزیع مناسب تسهیلات اشتغال، عدم تناسب رشد سرمایه‌گذاری و تولید در بخش صنعت با تقاضای نیروی کار تحصیل‌کرده، وجود تورم توأم با رکود در کشور، عدم حمایت از صنایع داخلی و مواجههٔ بازار داخلی با شرایط رقابتی، عدم برقراری تخفیف‌های مالیاتی در واحدهای اقتصادی، توجه بیشتر صاحبان صنایع به جذب افراد باتجربه به جای افراد تحصیل‌کردهٔ بدون تجربه، عدم ارائهٔ آموزش کاربردی به فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها قبل از مراجعه به بازار کار، عدم حمایت دولت از بخش صنعت، عدم ارائهٔ یارانه به واحدهای اقتصادی اشتغال‌زا، محدودیت‌های قوانین و مقررات کار، و سرمایه بری صنایع کشور از مهم‌ترین عوامل اقتصادی عدم جذب جوانان تحصیل‌کرده در واحدهای صنعتی بوده است.

صدق گویا (۱۳۸۱) در تحقیق خود باعنوان تاثیر ویژگی‌های فردی (سن، جنس و سطح تحصیلات) بر احتمال بیکاری جوانان نشان داد که تاثیر سن بر بیکاری افراد بیش از تاثیر دو عامل دیگر یعنی جنس و سطح تحصیلات است و جوانان (۲۵-۱۵) ساله بیش از بزرگسالان در معرض بیکاری هستند. زنان بیش از مردان در معرض خطر بیکاری قرار دارند و احتمال بیکاری افراد با سطح تحصیلات بالا بیش از افراد با سطح تحصیلات پایین است. در تمام سطوح تحصیلی برای زنان و مردان احتمال بیکاری جوانان بیش از بزرگسالان است و مردان در بازار کار کشور از وضعیت بهتری در مقایسه با زنان برخوردارند و بیشترین احتمال بیکاری با ۱۳/۳ درصد در گروه مردان مربوط به جوانان دارای سطح تحصیل بالا است و کمترین احتمال بیکاری با ۴/۹ درصد از آن بزگسالان با سطح تحصیلات کم می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

۲) فرضیه‌ها

فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

الف) عوامل اقتصادی (کمبود سرمایه‌گذاری، اجرای خصوصی‌سازی، عدم حمایت از دستاوردهای داخلی، عدم تسهیلات اشتغال، اقتصاد متکی به نفت و کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی) بر افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد.

ب) بین نظرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان با توجه به ویژگی‌های دموگرافیک آنان (سن، مدرک تحصیلی و دانشکده) درخصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

۳) روش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی ـ همبستگی بوده است. جامعهٔ آماری این پژوهش کلیهٔ اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه اصفهان درسال تحصیلی ۸۲- ۱۳۸۱ بوده‌اند که به ترتیب بالغ بر ۴۵۲ و ۱۲۸۶۰ نفر بوده است. با توجه به این‌که در این تحقیق واریانس جامعهٔ آماری مورد بررسی نامعلوم بود، لذا برای تعیین حجم نمونه ابتدا یک مطالعهٔ مقدماتی بر روی ۵۰ نفر از اعضای هیات علمی و دانشجویان صورت گرفت و سپس با استفاده از فرمول زیر حجم نمونه ۳۵۱ نفر مشخص شد.

$$n=\frac{Nt^2s^2}{Nd^2+t^2s^2}$$

n= حجم نمونه

N= حجم جامعهٔ آماری

s= واریانس برآورد شدهٔ جامعه

d= دقت احتمالی مطلوب

t= ضریب اطمینان

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب باحجم استفاده شده است و تعداد نمونه در هرطبقه به اندازهٔ نسبت آن طبقه درکل جامعهٔ آماری برگزیده شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

ابزار پژوهش، پرسش‌نامهٔ محقق ساخته‌ای شامل ۲۸ سوال بسته پاسخ در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) بود. برای آزمودن پایایی این پرسش‌نامه از روش ضریب همبستگی آلفای کرونباخ استفاده شده است که پایایی آن با r =۰/۹۸ مورد تایید قرارگرفت، همچنین روایی محتوایی و صوری این پرسش‌نامه نیز طی مطالعهٔ مقدماتی از دیدگاه اعضای هیات علمی تایید شد. در این تحقیق از روش‌های آمارتوصیفی (فراوانی، درصد و میانگین) و استنباطی (ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون، تحلیل واریانس یک متغیره و آزمون توکی) استفاده شده است.

۴) یافته‌ها

فرضیهٔ الف) عوامل اقتصادی (کمبود سرمایه‌گذاری، عدم اجرای خصوصی‌سازی، عدم حمایت از دستاوردهای داخلی، عدم تسهیلات اشتغال، اقتصاد متکی به نفت و کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی) بر افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی بین عوامل اقتصادی با بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی

	کمبود سرمایه‌گذاری	عدم اجرای خصوصی‌سازی	عدم حمایت از دستاوردهای داخلی	عدم تسهیلات اشتغال	اقتصاد متکی به نفت	کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی
بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی	r= ۰/۹۹۶ p= ۰/۰۰۵	r= ۰/۹۸۷ p= ۰/۰۴۰	r= ۰/۹۵۴ p= ۰/۰۳۳	r= ۰/۹۳۵ p= ۰/۰۲۱	r= ۰/۹۲۲ p= ۰/۰۴۰	r= ۰/۹۱۲ p= ۰/۰۰۲

نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین عوامل اقتصادی با بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی رابطهٔ معنادار وجود دارد و بیشترین ضریب همبستگی بین کمبود سرمایه‌گذاری با r= ۰/۹۹۶ با بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی و کمترین ضریب همبستگی بین کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی با r= ۰/۹۱۲ با بیکاری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی می‌باشد که در سطح p<۰/۰۵ معنادار است. (جدول شمارهٔ ۱)

فرضیهٔ ب) بین نظرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان با توجه به ویژگی‌های دموگرافیک آنان (سن، مدرک تحصیلی و دانشکده) در خصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

جدول ۲: مقایسهٔ میانگین نمرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان با توجه به سن آنان درخصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی

	مجموع مجذورات		میانگین مجذورات		F		درجهٔ آزادی		سطح معناداری	
	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو
بین گروه‌ها	۲۲۳۵/۲۳	۲۱۱۲/۰۵	۵۹۵/۵۵۶	۲۲۰/۶۰۲	۱/۲۵۷	۰/ ۲۰۴	۴	۱	۰/۲۷۲	۰/۷۰۲
عوامل اقتصادی درون گروه‌ها	۱۲۴۵۹/۸۵۶	۴۹۲۴/ ۶۹۰	۴۱۲/۹۹۶	۴۰۲/۲۰۵			۳۰	۲		
کل	۱۴۵۹۵/۰۷۸	۴۵۳۲/۲۰۵					۳۵	۳		

همان‌طور که نتایج جدول شمارهٔ ۲ نشان می‌دهد، F مشاهده شده درخصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی در سطح P< ۰/۰۵ معنادار نبوده است. بنابراین بین نظرات اعضای هیات علمی و دانشجویان باتوجه به سن آنان در خصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تفاوت معنادار وجود ندارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

جدول ۳: مقایسهٔ میانگین نمرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان با توجه به مدرک تحصیلی آنان درخصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی

	مجموع مجذورات		میانگین مجذورات		F		درجهٔ آزادی		سطح معناداری	
	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو
بین گروه‌ها عوامل اقتصادی	۴۱۷۳/۰۹۶	۱۲۹/۰۰۰	۱۱۸۱/۵۱۸	۹/۰۰۰	۴/۶۰۵	۰/۲۰۲	۴	۱	۰/۱۶۵	۰/۲۱۰
درون گروه‌ها	۴۱۴۵/۴۹۰	۱۹۵/۷۰۲	۲۹/۰۹۵	۲۷/۳۰۲			۵	۱۲		
کل	۴۸۷۲/۵۵۹	۱۰۲/۲۲۰					۸	۱۳		

نتایج جدول شمارهٔ ۳ نیز نشان می‌دهد که F مشاهده شده در خصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی در سطح P<۰/۰۵ معنادار نبوده است، بنابراین بین نظرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان با توجه به مدرک تحصیلی آنان در خصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۴: مقایسهٔ میانگین نمرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان با توجه به دانشکده درخصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی

	مجموع مجذورات		میانگین مجذورات		F		درجهٔ آزادی		سطح معناداری	
	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو	عضو هیات علمی	دانشجو
بین گروه‌ها عوامل اقتصادی	۲۶۳۳/۸۰۳	۲۰۲/۶۳۶۱	۵۶۵۸/۴۵۶	۲/۶۳۵	۱/۷۳۲	۱/۲۳۵	۴	۱	۰/۱۶۵	۰/۷۰۲
درون گروه‌ها	۱۲۳۰۷/۲۳۴	۲۵۲۲/۷۳۱	۴۳۸۰/۲۰۷	۱۸/۰۵۴			۳۵	۱۴		
کل	۱۵۹۴۱/۱۰۳۹	۲۸۲۲/۳۸۵					۳۹	۱۵		

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

نتایج جدول شمارهٔ ۴ نشان می‌دهد که F مشاهده شده در خصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی در سطح P ≤ ۰/۰۵ معنادار نبوده است، بنابراین بین نظرات اعضای هیأت علمی و دانشجویان با توجه به دانشکده درخصوص عوامل اقتصادی بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تفاوت معنادار وجود ندارد.

۵) بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی (کمبود سرمایه‌گذاری، اجرای خصوصی‌سازی، عدم حمایت ازدستاوردهای داخلی، عدم تسهیلات اشتغال، اقتصاد متکی به نفت و کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی) بر افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد. نتایج این تحقیق را ـ به ترتیب اولویتِ بیشترین ارتباط عوامل اقتصادی با بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی ـ می‌توان با تحقیقات زیر انطباق داد:

۵-۱) کمبود سرمایه‌گذاری

بهاری فر (۱۳۸۲) در تحقیق خود نشان داد که عدم ایجاد امنیت اقتصادی و سیاسی کشور جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و عدم حمایت از کارآفرینان یکی از علل اقتصادی عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی بوده است. در تحقیق حاضر نیز مشخص شد که کمبود سرمایه‌گذاری با ضریب همبستگی r = ۰/۹۹۶ بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد؛ به طوری که عدم جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی با ۷۴/۵ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۷۷ درصد از دیدگاه دانشجویان، عدم سرمایه‌گذاری در زمینه‌های خوداشتغالی با ۵۳/۹ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۳۸/۸ درصد از دیدگاه دانشجویان، عدم تضمین امنیت سرمایه‌گذاری با ۵۸/۸ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۶۳/۶ درصد از دیدگاه دانشجویان، عدم سرمایه‌گذاری لازم از جانب دولت جهت ایجاد شغل متناسب با فارغ التحصیلان با ۵۶/۱ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۵۰/۸ درصد از دیدگاه دانشجویان، عدم سرمایه‌گذاری لازم از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

جانب بخش خصوصی در زمینهٔ ایجاد اشتغال با ۴۹ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۵۳/۹ درصد از دیدگاه دانشجویان، عدم سرمایه‌گذاری در زمینهٔ اشتغال مولد با ۴۵/۸ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۷۷/۶ درصد از دیدگاه دانشجویان باعث افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی می‌شود. بنابراین نتایج این تحقیق با تحقیق بهاری فر (۱۳۸۲) همسو بوده و با آن همخوانی دارد.

۵-۲) اجرای خصوصی‌سازی

بهاری فر (۱۳۸۲) در تحقیق خود نشان داد که نابسامانی وضع سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی یکی از علل اقتصادی عدم جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی بوده است. در تحقیق حاضر مشخص شد که اجرای خصوصی‌سازی با ضریب همبستگی ۰/۹۸۷ =r بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد؛ به طوری که حمایت از بخش خصوصی با ۷۴/۲ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۷۵/۶ درصد از دیدگاه دانشجویان و گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی با ۵۳/۶ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۵۷/۷ درصد از دیدگاه دانشجویان باعث افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی می‌شود. بنابراین نتایج این تحقیق با تحقیق بهاری فر همسو نبوده و با آن همخوانی ندارد. دلیل این عدم انطباق شاید متفاوت بودن جامعهٔ آماری باشد و یا به این دلیل که برخی از صاحب‌نظران اقتصادی اعتقاد دارند که اگر به موازات اجرای خصوصی‌سازی و همزمان با آن، تعدیل نیروی انسانی، تاسیس و ایجاد واحدهای جدید، تحرک در سرمایه‌گذاری در راستای تغییر و تحولات اساسی صورت گیرد، می‌توان فرصت‌های شغلی جدید پدید آورد.

۵-۳) عدم حمایت از دستاوردهای داخلی

بهاری فر (۱۳۸۲) در تحقیق خود نشان داد که عدم حمایت از صنایع داخلی و مواجههٔ بازار داخلی با شرایط رقابتی بر عدم جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی در واحدهای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

صنعتی تاثیر دارد. در تحقیق حاضر نیز مشخص شد که عدم حمایت از دستاوردهای داخلی باضریب همبستگی r= ۰/۹۵۴ بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد و عدم حمایت از تولیدات داخلی با ۹۰/۹ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۴۷/۵ درصد از دیدگاه دانشجویان، عدم حمایت از متخصصان با ۸۰/۵ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۵۰/۸ درصد از دیدگاه دانشجویان، عدم حمایت از صنایع داخلی با ۷۲/۱ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۳۵/۷ درصد از دیدگاه دانشجویان، عدم حمایت از سرمایه‌داران داخلی با ۳۷/۴ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۱۳/۸ درصد از دیدگاه دانشجویان باعث افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی می‌شود. بنابراین نتایج این تحقیق باتحقیق بهاری فر (۱۳۸۲) همسو بوده و با آن همخوانی دارد.

۴-۵) عدم تسهیلات اشتغال

اندروش و برودلی (۱۹۹۸) در تحقیق خود نشان دادند که پرداخت رایانه به افراد تحصیل کرده، آنان را به کسب مهارت‌های متوسط و ارتقای وضعیت بازار کار تشویق می‌کند. بهاری فر (۱۳۸۲) در تحقیق خود نشان داد که عدم توزیع مناسب تسهیلات اشتغال و عدم ارائهٔ یارانه به واحدهای اقتصادی اشتغال‌زا یکی از علل اقتصادی عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی بوده است. در تحقیق حاضر نیز مشخص شد که عدم تسهیلات اشتغال با ضریب همبستگی r= ۰/۹۳۵ بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد؛ به طوری که عدم ایجاد تسهیلات اعتباری با ۵۳/۹ درصد هم از دیدگاه اعضای هیات علمی و دانشجویان، عدم ایجاد کمک‌های حقوقی جهت ایجاد تشکل‌های اقتصادی برآمده از تخصص فارغ‌التحصیلان با ۴۵/۸ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۷۷/۵ درصد از دیدگاه دانشجویان و کمبود منابع مالی لازم برای طرح‌های اشتغال‌زا با ۳۶/۷ درصد از دیدگاه اعضای هیأت علمی و ۱۳/۸ درصد از دیدگاه دانشجویان باعث افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی می‌شود. بنابراین نتایج این تحقیق با تحقیقات اندروش و برودلی (۱۹۹۸) و بهاری فر (۱۳۸۲) همسو بوده و با آن همخوانی دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

۵-۵) اقتصاد متکی به نفت

بهاری فر (۱۳۸۲) در تحقیق خود نشان داد که وجود تورم توأم با رکود در کشور بر عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی تاثیر دارد. در تحقیق حاضر نیز مشخص شد که اقتصاد متکی به نفت با ضریب همبستگی r= ۰/۹۲۲ بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد و تورم توأم با رکود در کشور با ۶۳/۶ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۵۸/۸ درصد از دیدگاه دانشجویان باعث افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی می‌شود. بنابراین نتایج این تحقیق با تحقیق بهاری فر (۱۳۸۲) همسو بوده و با آن همخوانی دارد.

۶-۵) کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی

بهاری فر (۱۳۸۲) در تحقیق خود نشان داد که عدم تناسب رشد سرمایه‌گذاری و تولید در بخش صنعت با تقاضای نیروی کار تحصیل‌کرده یکی از علل اقتصادی عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی بوده است. در تحقیق حاضر نیز مشخص شد که کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی با ضریب همبستگی r= ۰/۹۱۲ بر بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی تاثیر دارد، به طوری که عدم تطابق نرخ رشد تولیدات صنعتی با نرخ رشد اشتغال با۷۱/۳ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۷۸/۸ درصد از دیدگاه دانشجویان، کندی رشد تولید با ۵۵/۵ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۳۵/۸ درصد از دیدگاه دانشجویان، کاهش بهره‌وری با ۳۶/۳۲ درصد از دیدگاه اعضای هیات علمی و ۳۹/۳ درصد از دیدگاه دانشجویان و پایین بودن توان تولید با ۲۴/۴ درصد ازدیدگاه اعضای هیات علمی و ۶۰/۶ درصد از دیدگاه دانشجویان باعث افزایش بیکاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی می‌شود. بنابراین نتایج این تحقیق با تحقیق بهاری فر (۱۳۸۲) همسو بوده و با آن همخوانی دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

۶) پیشنهادات

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهادات زیر را برای افزایش اشتغال تحصیل‌کرده‌ها ارائه داد:

الف) پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در زمینهٔ ایجاد شغل متناسب با تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از جانب دولت و بخش خصوصی صورت گیرد.

ب) توصیه می‌شود در جهت سرمایه‌گذاری در زمینهٔ اشتغال مولد تلاش بیشتری صورت گیرد و جایگاه فعالیت‌های مولد جمعی ارتقاء یابد.

ج) پیشنهاد می‌شود در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری در زمینهٔ فعالیت‌های خدماتی سودمند تلاش بیشتری صورت گیرد.

د) توصیه می‌شود شرایط مناسب برای گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی فراهم نشود و از این بخش حمایت کمتری به عمل آید.

هـ) پیشنهاد می‌شود از صنایع، تولیدات داخلی و متخصصان حمایت بیشتری به عمل آید.

و) پیشنهاد می‌شود تسهیلات اعتباری و کمک‌های حقوقی جهت ایجاد تشکل‌های اقتصادی برآمده از تخصص فارغ‌التحصیلان فراهم شود.

ز) توصیه می‌شود در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و ایجاد اقتصاد غیرمتکی به نفت تلاش بیشتری صورت گیرد و از صادرات غیرنفتی حمایت بیشتری به عمل آید.

ح) توصیه می‌شود در جهت افزایش رشد و توان تولید تلاش بیشتری صورت گیرد و نرخ رشد تولیدات صنعتی با نرخ رشد اشتغال تطابق یابد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

منابع

References

- بهاری فر، علی. (۱۳۸۲)، **بررسی علل عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی و ارائه راهکارهایی جهت رفع موانع**، مجله اجتماعی ـ اقتصادی ـ علمی ـ فرهنگی کار و جامعه، شمارهٔ ۴۸، خرداد ماه.
- صدق گویا، محمدرضا. (۱۳۸۱)، **برآورد احتمال بیکاری جوانان (تاثیر ویژگی‌های فردی بر احتمال بیکاری جوانان)**، مجله اجتماعی ـ اقتصادی ـ علمی ـ فرهنگی کار و جامعه،، شمارهٔ ۴۷، بهمن ماه.

- Andrews, M. & Bradley, S. (1998), **Modeling The Transition from School and the Demand for Training in United Kingdom**, August.
- Armstrong, D. (1999), **Careers Guidance, Psychometric Testing and Unemployment Among Educated People (An empirical analysis for Northern Ireland)**, EALE Conference Paper.
- Caspi, A. et al. (1998), **Early Failure in the Labour Market: Childhood and Adolescent Predictors of Unemployment in the Transition to Educated**, American Sociological Review, 63.
- Gardecki, R. Neumark, D. (1998), **Order from Chaos? The Effect of Early Labor Market Experience on Educated Labor Market Outcomes**, Industrial and Labor Relations Review, 51, 2.
- Hart, P.E. (1998), **Educated Unemployment in Great Britain**, Cambridge, Press Syndicate.
- Hashimoto, M. Miller, R.A. (1999), **How Do Training and Early Labour Market Experience Affect the Economic Well-being of Educated?**, Mimeo, Ohio State University.
- Miller, P. W. (1998), **Educated Unemployment: Does the Family Matter?**, Journal of Industrial Relations, 40,2.
- O'Neil, D. & Sweetman, S. (1998), **Intergenerational Mobility in Britain: Evidence from Unemployment Pattern**, Oxford Bulletin of Economics and Statistics, 6,40.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]

کتابخانه



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-30]